

با سلام و درود فراوان  
ایمان، به موازات صبر در ما تقویت می‌شود

ما خیلی وقت‌ها در این مسیر معنوی به دنبال اعتماد کردن به خداوند هستیم. از خودمان می‌پرسیم: «خدایا چگونه به تو اعتماد کنم؟ چگونه به تو ایمان بیاورم و تعهدم را نشکنم؟»

خب همانطور که می‌دانیم، ایمان یک کیمیای قدرتمندی است. در این حد که ما اگر به یک اعتقاد و باور پوچ هم اشتباهاً ایمان بیاوریم، نسبت به باورهای دیگر کور می‌شویم و تک‌بعدی بر روی اعتقادمان تمرکز می‌کنیم.

ما در این راه خیلی مواقع مسیر اشتباه افکار همانیده این عوان و مأمور مقتضی و خواهشگر نفسمان را انتخاب می‌کنیم، چون ایمانمان به خدا کمتر است تا نسبت به من‌ذهنی. و خداوند هم به ما می‌گوید:

چون فدای بی‌وفایان می‌شوی  
از گمان بد بدان سو می‌روی؟  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۳۸

من ز سهو و بی‌وفایی‌ها ببری  
سوی من آیی گمان بد ببری؟  
-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۳۳۹

خداوند می‌گوید: «تو خودت را یعنی من را فدای آن تصاویر بی‌ارزش فانی که در ذهنت به آن‌ها علاقه داری می‌کنی. و این کار رو به خاطر اینکه نسبت به من گمان بد داری انجام میدی؟ به من اعتماد نداری؟ ایمان نداری؟»

و همچنین در بیت دوم می‌گوید: «من از اشتباه و بی‌وفایی و خیانت، پاک و مصون هستم. من تک‌تک قدم‌هایم درست و حساب‌شده و از روی عشق و خردم هستش. من بی‌نهایت فکر و عمل رو بدون ذره‌ای اشتباه می‌تونم از طریقت انجام بدم. اون وقت وقتی که در این دم، در این لحظه می‌خواهی بین من و من‌ذهنی یکی رو انتخاب کنی، تو من‌ذهنی رو که دقیقاً برعکس من بی‌نهایت فکر و عمل رو با بی‌نهایت اشتباه انجام میدی، انتخاب می‌کنی؟»

خوب این حرف‌های خداوند است. شاید در آن لحظه جوابی نداشته باشیم. شاید ندانیم دقیقاً مشکل از کدام سرچشمه جاری میشه. شاید شناسایی‌مان هنوز آنقدر شفاف نشده و هنوز ذهنمان را برفکی می‌بینیم، ولی در هر مرحله‌ای که هستیم، مسلماً یکی از دلایل اصلی و مهم، نداشتن ایمان و اعتماد به خداست. دقیقاً همین که خداوند گفت. گفت: ما به او اعتماد نداریم و فکر می‌کنیم ممکن است بدبخت و گمراه بشویم، اگر خدا را انتخاب کنیم. عجب پرده عجیبیست این من‌ذهنی!! که ما را تا این حد گمراه می‌کند و کار ما انسان‌ها را به جایی می‌رساند که به خداوند بی‌اعتماد و بدگمان بشویم.

اما خود خداوند جواب را به ما می‌دهد. کمکمان می‌کند تا منشأ مشکل رو بشناسیم و به کمک کیمیای شگفت‌انگیز و بسی قدرتمند، ایمان رو در خودمون تقویت کنیم و دیگر به او بدگمان نشویم. بلکه به من‌ذهنیمان بدگمان بشویم:

صبر از ایمان پیابد سرکله  
حیث لا صبر فلا ایمان له  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۶۰۰

گفت پیغمبر: خدایا ایمان نداد  
هرکه را صبری نباشد در نهاد  
-مولوی، مثنوی، دفتر دوم، بیت ۶۰۱

سرکله: تاج سر، کلاه

خب این از حدیثی از حضرت رسول آمده که می‌فرمایند: «هر که را صبر نباشد، وی را ایمان نباشد».

کلید صبر است. صبر از ایمان تاج سر پیدا می‌کند. و جایی که صبر نیست، ایمان نیست. یعنی هر لحظه‌ای که ما صبر نداریم، ایمانی هم نسبت به خدا به دست نمی‌آوریم. خداوند خودش جواب رو به ما داد. این مانند خورشید تمام راه معنوی ما و حتی مادی ما را روشن می‌کند و کمکمان می‌کند که در لحظه انتخاب درست داشته باشیم. انتخاب درست چیست؟ صبر.

اصلاً محال است که انسان فضاگشا صبر نداشته باشد. صبر، تداوم فضاگشایی ماست. با پشتوانه صبر است که می‌توانیم این بی‌نهایت حضرت را تا بی‌نهایت، توسط فضاگشایی بالا برویم. و صدر راهمان را خود راه بدانیم. یعنی فضاگشایی مستمر. و این فضاگشایی مستمر فقط و فقط با صبر امکان‌پذیر است. هر وقت صبر داشتیم، ایمان هم به موازات صبر در ما زنده می‌شود. ترازوی ایمان تغییر می‌کند. این دفعه به خدا اعتماد می‌کنیم و به من‌ذهنی‌مان بی‌اعتماد می‌شویم. و این را یادآور بشیم که:

اصل، خود جذب است، لیک ای خواجه‌تاش  
کار کن، موقوف آن جذبه مباش  
-مولوی، مثنوی، دفتر ششم، بیت ۱۴۷۷

یعنی درست است که خود خداوند با لطف و مهرش، هر لحظه ما را جذب می‌کند و دم او قطرات ایمان و صبر و عشق را در ما پدیدار می‌کند. اما ما باید کار کنیم. باید کار کنیم تا این قطره‌ها به جوی خروشان مملو از فضاگشایی و صبر و ایمان و عشق و خرد و امنیت بشود. باید کار کنیم. وگرنه نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود و همچنان کفه ترازو به نفع من‌ذهنی‌مان خواهد بود و همچنان به خدا بی‌اعتماد خواهیم ماند.

پس باید کار کنیم تا بتوانیم همواره به روی خداوند نگاه کنیم و در راه دیدارش صبر کنیم و به موازات صبر، به او ایمان خواهیم داشت و خوشبخت واقعی خواهیم شد. کار همین است. فضاگشایی همراه صبر.

شاد باشید  
اشکان از مازندران